



پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

# نمادشناسی کهن نمونه‌ها در قصه‌های فارسی شیخ اشراق بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه

استاد راهنما:

دکتر محمد علی محمودی

استاد مشاور:

دکتر محمد علی زهرازاده

تحقیق و نگارش:

علی اصغر ریحانی فرد

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

بهمین 1390

## بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان نمادشناسی کهن نمونه‌ها در قصه‌های فارسی شیخ اشراق بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو علی اصغر ریحانی فرد با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمدعلی محمودی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

علی اصغر ریحانی فرد

این پایان نامه ..... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ..... توسط هیئت داوران بررسی و درجه ..... به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما:	دکتر محمدعلی محمودی	
استاد مشاور:	دکتر محمدعلی زهرازاده	
داور 1:	دکتر عباس نیکبخت	
داور 2:	دکتر مریم شعبانزاده	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	آقای نورمحمد ناظریان	



## تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب علی اصغر ریحانی فرد تعهد می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

علی اصغر ریحانی فرد

امضاء

تقدیم به:

پدر و مادرم.

برای مادرم که مهرش در دلم گرامی و مقدس است

برای او که سر چشمه کنجکاوی سالهای کودکی ام بود.

او که با گفتن آن همه قصه های قدیمی لذت خیال و شگفتی را به من هدیه داد

به پدرم که مهرش بنایی شد برای تلاش پر شورم در کسب دانش

و او که سالهای رشد مرا سرشار از حکمت کرد

به او که به همدردی با انسان فرایم خواند

شکوه نگرش او هنوز سراپای وجودم را فرا گرفته است.

از شما سپاسگزارم برای آن کنجکاوی که همواره و بی وقفه به جستجویم وا می داشت

از شما سپاسگزارم برای آن اشتیاق که احساس مسئولیت نسبت به ممنوع را در من شعله ور می سازد

شما به من زندگی و عشق را ارزانی داشتید

اما فراتر از همه.

شما دلیلی بودید برای آنچه که امروز از زندگی خواهم

و این نوشته را در پاسخ به محبت شما که اولین راهبرانم بودید تقدیمتان می کنم.

## سپاسگزاری

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از استاد فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر محمدعلی محمودی و همچنین استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمدعلی زهرازاده که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی های کار ساز و سازنده شان بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر نمایم.

(و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه.)

معلما مقامت ز عرش برتر باد همیشه توسن اندیشهات مظفر باد

به نکته های دلاویز و گفته های بلند صحیفه های سخن از تو علم پرور باد

همچنین از پدر و مادر و خواهر عزیز، دلسوز و مهربانم که آرامش روحی و آسایش فکری فراهم نمودند تا با حمایت های همه جانبه در محیطی مطلوب، مراتب تحصیلی و نیز پایان نامه ی درسی را به اتمام برسانم؛ سپاسگزاری می کنم.

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر منتهای همت خود کامران شدم

علی اصغر ریحانی فرد

## چکیده:

قصه‌های رمزی و عرفانی سهروردی، با حجم اندک، سرشار از مفاهیم عرفانی، فلسفی و اسطوره‌ای است که فهم و دریافت آن را برای مخاطب دشوار یاب نموده است، در بیشتر این حکایت رمزی، **قهرمان** که روایت‌گر یکی از کهن‌نمونه‌های ناآگاه جمعی بشر است، با راهنمایی **پیر فرزانه** پس از گذر از جاده‌ی ناهموار آزمون به بهشت سبز فردیت و تمامیت روانی گام می‌نهد. این الگو که در بیشتر اسطوره‌های جهان، با اندک تفاوت‌های روساخت و ظاهر، به نمایش درمی‌آید، نمودی از آرمان و آرزوهای بشر در رسیدن به حالت عالی‌تر و وجود روحانی منزّه و متفاوت است که جوزف کمپبل با عنوان الگوی **اسطوره‌ی یگانه** در کتاب **قهرمان هزار چهره** به آن پرداخته است. با عنایت به این که آن چه درون‌مایه‌ی قصه‌های سهروردی را شکل می‌بخشد همین سفر درونی قهرمان، یا به تعبیر عرفا سلوک عرفانی است که بستری مناسب را برای حضور بسیاری از کهن‌نمونه‌های روانشناسی تحلیلی یونگ (**خود، مادینه روان، نقاب، سایه، پیر فرزانه** و نگاره‌ی نمادین **ماندالا** یا ناف هستی) و نمادهای آشناسازی، فراهم ساخته است، در این رساله با توجه به تشابه بنیادهای نظری یونگ و سهروردی، سعی شده است با استفاده از ایده‌ی اسطوره‌ی یگانه‌ی جوزف کمپبل، تحلیلی کهن‌نمونه‌ای از قصه‌های رمزی شیخ اشراق ارائه شود.

**کلید واژه:** قصه‌های رمزی، ناآگاه جمعی، کهن‌نمونه، اسطوره‌ی یگانه، جدایی، تشریف، بازگشت.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1.....	مقدمه
4.....	بخش نخست: کلیات و مبانی نظری
5 .....	فصل نخست: شباهت بنیادهای یونگ و سهروردی
6 .....	شناخت‌نامه‌ی سهروردی
10 .....	شناخت‌نامه‌ی کارل گوستاو یونگ
11 .....	شباهت دیدگاه‌های یونگ و سهروردی
16.....	فصل دوم: فرآیند نقد اسطوره در ادبیات و هنر
17 .....	فرآیند نقد اسطوره
17 .....	نقد اسطوره‌گرا
19 .....	نقد کهن‌نمونه‌ای
20 .....	سمبول (نماد)
22.....	فصل سوم: لایه‌های روان انسان
23 .....	ناآگاه
24 .....	ناآگاه فردی
25 .....	ناآگاه تباری
25 .....	ناآگاه جمعی
27 .....	لیبیدو

30.....	فصل چهارم: کهن‌نمونه‌ها
31 .....	کهن‌نمونه
33 .....	مادر مثالی
34 .....	مادینه روان
36.....	نرینه روان
37 .....	پیر فرزانه
38 .....	سایه
40 .....	پرسونا(نقاب)
40 .....	ماندالا
41 .....	خود
42 .....	فرآیند فردیت‌یابی (تفرد)
<b>44 .....</b>	<b>فصل پنجم: اسطوره و رؤیا</b>
45 .....	رؤیا
46.....	اسطوره
49 .....	اسطوره‌گان قهرمانی
49 .....	کاوش
50 .....	نوآموزی
50 .....	جدایی
51 .....	تشرّف
51 .....	بازگشت
51 .....	فداکاری و ایثار



54	بخش دوم: تحلیل کهن‌نمونه‌ای قصه‌های فارسی شیخ اشراق بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه
55	فصل نخست: تحلیل کهن‌نمونه‌ای قصه‌ی مرغان بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه
56	قصه‌ی مرغان
56	تحلیل حکایت بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه (جدایی - تشرّف - بازگشت)
56	جدایی
58	تشرّف
62	بازگشت
64	فصل دوم: تحلیل کهن‌نمونه‌ای رساله‌ی عقل سرخ بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه
65	رساله‌ی عقل سرخ
66	تحلیل حکایت بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه (جدایی - تشرّف - بازگشت)
68	جدایی
71	تشرّف
79	فصل سوم: تحلیل کهن‌نمونه‌ای حکایت پرورش زال توسط سیمرغ
80	تحلیل حکایت پرورش زال توسط سیمرغ
84	فصل چهارم: تحلیل کهن‌نمونه‌ای حکایت رزم‌نامه‌ی رستم و اسفندیار
85	تحلیل حکایت رزم‌نامه‌ی رستم و اسفندیار
89	فصل پنجم: تحلیل کهن‌نمونه‌ای رساله‌ی فی حالة الطفولیه بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه
90	رساله‌ی فی حالة الطفولیه
92	تحلیل حکایت بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه (جدایی - تشرّف - بازگشت)
92	جدایی
94	پیر فرزانه در نقش امدادرسان غیبی

96.....	آستانه (شکم نهنگ)
98 .....	تشرّف
100.....	هماهنگی و آشتی با پدر
100.....	برکت نهایی
101.....	بازگشت
<b>102.....</b>	<b>فصل ششم: تحلیل کهن‌نمونه‌ای رساله‌ی آواز پر جبرئیل بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه</b>
103.....	رساله‌ی آواز پر جبرئیل
105.....	تحلیل حکایت بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه (جدایی - تشرّف - بازگشت)
106.....	جدایی
110.....	تشرّف
114.....	بازگشت
<b>117.....</b>	<b>نتیجه</b>
<b>119.....</b>	<b>فهرست منابع</b>

## فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
43	شکل شماره 1: ساختار روان از نظرگاه یونگ
52	شکل شماره 2: sample of the cycle the hero journeys
53	شکل شماره 3: چرخه‌ی اسطوره‌ی یگانه از دیدگاه جوزف کمپبل

اسطوره‌ی قهرمان از رایج‌ترین و بنیادی‌ترین اسطوره‌هایی است که در اندیشه‌ی ملل مختلف رشد یافته است. بشر از دیرباز در مسیر زندگی و رویارویی با مشکلات برون از تحمل، به قهرمانی نیاز می‌کرده که آرمان و آرزویش را در وجود او تجسم بخشد. قهرمانی که قادر باشد بر محدودیت‌های شخصی و بومی فائق آید و از آن گذر کند، کسی که از راه‌های شناخته و امن زندگی کناره بگیرد، به ندایی خاص، نه چندان رسا، پاسخ گوید و از خوان‌ها و مشکلات پیروز بیرون آید. برای تحقق این نیاز، بشر به ساخت اسطوره‌گان قهرمانی از شخصیت‌های تاریخی روی آورده است و با کسب توفیق در این امر، توانسته است احساس تنهایی خود را در رویارویی با مشکلات و سختی‌ها با این شخصیت‌های اسطوره‌ای قسمت کند. تاریخ اسطوره‌ای جوامع انسانی آکنده از قهرمانانی است که همراه با نیرویی فوق بشری متولد شده، به سرعت رشد کرده و برای رفع نقصان جامعه‌ی خویش فداکارانه قدم در مسیر ناشناخته‌ها گذاشته‌اند. با غلبه بر نیروهای اهریمنی، غول‌ها و اژدهاهای ناشناخته، ره‌آوردی گره‌گشای را از این سفر برای جامعه به ارمغان آورده‌اند. در این رساله با خوانشی کهن‌نمونه‌ای به تحلیل اسطوره‌گان قهرمانی بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه در قصه‌های فارسی شیخ اشراق پرداخته‌ایم.

گرچه از عمر پژوهش‌های اسطوره‌ای و کهن‌نمونه‌ای چند دهه پیش نمی‌گذرد، اما با وجود نوپایی این شاخه در ایران کتاب‌های بسیاری در مورد اسطوره و کهن‌نمونه نگاشته و ترجمه شده است، چنان که شاید این شاخه از علوم انسانی از نظر منابع یکی از غنی‌ترین و متنوع‌ترین حوزه‌های پژوهشی به شمار آید. گذشته از آثار ترجمه شده از یونگ، میرچا الیاده، فریزر، کمپبل، فوردهام، مورنو و ... که کمک شایانی به شناخت اسطوره‌ها و خوانش دوباره‌ی آنها در خلال آثار ادبی ایران زمین نموده است، پژوهش‌های مهرداد بهار در *از اسطوره تا تاریخ* و پژوهشی در *اساطیر ایران*، میرجلال‌الدین کزازی در *رؤیا، حماسه، اسطوره و مازهای راز و هم‌چنین تک-نگاری‌های جلال ستاری در افسون شهرزاد، بازتاب اسطوره در بوف کور*، پژوهشی در *اسطوره‌ی گیل‌گمش و افسانه‌ی اسکندر*، رمزاندیشی و هنر قدسی و.. و ژاله آموزگار در *تاریخ اساطیری ایران* و بسیاری دیگر از پژوهش‌گران حوزه‌ی اسطوره و کهن‌نمونه، به هیچ روی قابل انکار نیست. با وجود این اگر از برخی تک‌نگاری‌های جلال ستاری بگذریم، کمتر اثری می‌یابیم که این نظریه‌ها و نمونه‌ها را در حوزه‌ی کاربردی‌تر آن (تحلیل کهن‌نمونه‌ای) و با تکیه بر آثار بومی و سنتی بیازماید، گرچه در این زمینه پژوهش‌هایی جزئی به صورت مقاله

به خصوص در حوزه‌ی شاهنامه و هفت‌پیکر و آثار داستانی معاصر همچون آثار صادق هدایت به رشته‌ی تحریر درآمده است. این احساس فقدان و هم‌چنین شوق و اشتیاق به مطالعات روان‌شناختی و اسطوره‌شناسی و کاربردهای آن در ادبیات ایران زمین سبب شد تا با راهنمایی استاد گران‌قدر دکتر محمودی، به پژوهشی در این زمینه بپردازم. راهنمایی‌های استاد و یافتن مشابهت‌هایی بین اندیشه‌ی فیلسوف، حکیم و عارف نامدار ایرانی شیخ شهاب‌الدین سهروردی و دیدگاه‌های یونگ، روان‌شناس سوئیسی، و تشابه این دو دیدگاه با اندیشه‌های ایران باستان و نیز قلم زیبای سهروردی در قصه‌هایش و جنبه‌ی رمزی این آثار نیز مشوق دیگری بود تا قصه‌های فارسی شیخ اشراق را به عنوان نمونه‌ی کار پیش روی خود قرار دهم و به تحلیل این آثار بپردازم. در زمینه‌ی رمزگشایی قصه‌های رمزی فارسی پژوهشی جامع با عنوان رمز و داستان‌های رمزی در ادبیات فارسی توسط تقی پورنامداریان صورت گرفته که به رمزگشایی قصه‌های ابن سینا و سهروردی بیشتر از نگاه عرفان پرداخته است و در این رساله که با نگاهی متفاوت از دید کهن‌نمونه‌ای به این قصه‌ها پرداخته شده است، اثر ارزشمند پورنامداریان در کنار دیگر آثار روان‌شناسی و اسطوره‌شناختی راه‌گشای تحلیل حکایات بوده است.

پژوهش حاضر در دو بخش و یازده فصل تنظیم شده است. در بخش نخست با عنوان کلیات و مبانی نظری، ابتدا به موارد قرابت و شباهت بنیادهای روان‌شناختی و متافیزیکی یونگ و سهروردی اشاره شده است که به طور خلاصه در سه مورد یکسانی منابع و مأخذ و نحله‌های فلسفی، عرفانی و فکری، توجه خاص یونگ و سهروردی به مسأله‌ی نور و تشابه دو مفهوم ناآگاه جمعی و کهن‌نمونه‌ی یونگ با مفاهیم عالم مثال (صورالمعلقه) و صورت مثالی سهروردی، اشاره می‌شود، در ادامه به بخش‌های مختلف روان از دیدگاه یونگ و کهن‌نمونه‌های روان‌شناسی تحلیلی وی که در تحلیل قصه‌های رمزی راه‌گشا بوده‌اند، پرداخته و اسطوره و رؤیا را که از دید سهروردی و یونگ محل تجلی کهن‌نمونه و صورت مثالی هستند بررسی می‌کنیم. در پایان بخش نخست برای گشایش بخش اصلی پژوهش، به اسطوره‌گان قهرمانی و مراحل مختلف سیر آن از دیدگاه ویلفرد گورنرین و نیز الگوی اسطوره‌ی یگانه از دیدگاه جوزف کمپبل که در چرخه‌ی جدایی - تشریف - بازگشت خلاصه می‌شود، می‌پردازیم. بخش دوم پژوهش با عنوان تحلیل کهن‌نمونه‌ای قصه‌های فارسی شیخ اشراق بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه، شش فصل اصلی پژوهش را شکل می‌دهد که به ترتیب شامل تحلیل قصه‌های سفر مرغان، عقل سرخ، فی حالة الطفولیه، آواز پر جبرئیل و حکایت در حکایت پرورش زال توسط سیمرغ و حکایت رزم رستم و اسفندیار بر اساس الگوی اسطوره‌ی یگانه، می‌باشد و در پایان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پژوهش حاضر خواهیم پرداخت

بخش نخست این پژوهش که راه‌گشای ما برای تدوین بخش اصلی است و به شناسایی کهن‌نمونه‌های آن کمک می‌کند، بیشتر متأثر از آثار یونگ و دیگر روان‌شناسان حوزه‌ی تحلیلی همچون فورد هام، هندرسن، مورنو و... می‌باشد. در بخش اصلی پژوهش تکیه‌ی اصلی بر کتاب قهرمان هزار چهره اثر جوزف کمپبل می‌باشد که البته در خلال تحلیل قصه‌ها، این پژوهش از آثار دیگر روان‌شناسان و اسطوره‌شناسان از جمله کتاب‌های میرچا الیاده هم‌چون آیین‌ها و نمادهای آشناسازی رساله در تاریخ ادیان و ... همچنین فرهنگ نمادها و ... اثر شوالیه ژان و کتاب رمز و داستان‌های رمزی تقی پورنامداریان بی‌نیاز نبوده است.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که متن رساله از نظر نگارشی و ویرایشی بر اساس شیوه‌نامه‌ی مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی و ارجاعات درون‌متنی و منابع بر اساس کتاب «آیین نگارش و ویرایش» محمود فتوحی تنظیم شده است.

جملات پایانی مقدمه بی‌تردید جایگاه تقدیر و تشکرهاست و چه نامی سزاوارتر از جناب آقای دکتر محمدعلی محمودی و جناب آقای دکتر محمدعلی زهرازاده، اساتید راهنما و مشاور، که در طول این پژوهش مشوق و یاری‌رسانم بودند و همراهیشان در گشودن گره‌هایی که در مسیر پژوهش گه گاه ناگشودنی می‌نمود مایه‌ی دلگرمی و پشتکارم می‌شد. همچنین مراتب سپاس خود را از مدیریت کتابخانه‌ی دانشگاه تربیت معلم سبزوار و کتابخانه‌ی دانشگاه سیستان و بلوچستان به خاطر در اختیار نهادن برخی منابع مورد نیاز این پژوهش به جای می‌آورم.

بخش نخست

کلیات و مبانی نظری پژوهش

## فصل نخست

شبهت بنیادهای متافیزیکی یونگ و سهروردی



## شناخت‌نامه‌ی سهروردی

شیخ شهاب‌الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق از جمله آگاهان معرفت‌شناس حقیقت‌گویی است که در راه بیداری خفتگانی غافل و متعصبانی جاهل به دست جمعی متزور و زورمدار که تاب فهم و مدارا با اندیشه‌ی ژرف و تعصب‌سوز این حکیم عارف عاشق را نداشتند، جان باخت و نامی دیگر در صحنه‌ی سرخ شهیدان راه عشق و اندیشه‌ی تاریخ بشریت بر جای نهاد. شیخ شهید با این که مدت زیادی در غربت قفس این جهان خاکی محبوس نماند و در حدود سی و هشت سالگی به سوی دیار دوست شتافت، اما از بزرگان حکمت و فلسفه و عرفان قرن ششم ایران شد و حدود پنجاه اثر به زبان فارسی و عربی از خود بر جای نهاد که بیان‌گر عمق بینش و وسعت آگاهی او می‌باشند.

در یک نگاه کلی تمامی آثار سهروردی یک هدف را دنبال می‌کنند و آن احیای حکمت اشراقی ایران باستان یا خسروانیان و تلفیق آن با تعالیم اسلام است.

«گذشته از آثار تعلیمی و نظری وی که به زبان عربی نوشته شده است؛ مانند: تلویحات، مطارحات، حکمه-الاشراق، ترجمه‌ها، شرح‌ها و مناجات‌ها، نوشته‌های دیگری از این مجموعه وجود دارد که شامل حکایت‌های کوتاه و پرمعنا که داستان سیر و سلوک و سفر روحانی انسان را در مراتب وجود از غربت غربی عالم خاک تا وصول به سرمنزله شرقی اشراق فراسوی افلاک، به زبان رمزی و نثری منحصر به فرد به تصویر کشیده‌اند. این رساله‌ها که تقریباً همگی به فارسی‌اند، اما بعضی از آن‌ها ترجمه‌ی عربی نیز دارند عبارتند از:

عقل سرخ، آواز پر جبرئیل، لغت موران، روزی با جماعت صوفیان، صفیر سیمرغ، رساله فی حاله الطفولیه، رساله فی حقیقه العشق یا مونس العشاق، رساله فی المعراج، رساله الطیر، و غربه الغریبه.

نوشته‌های وی سبک جذابی دارد و از لحاظ ادبی ارجمند است و آن چه به فارسی است از شاه‌کارهای نثر این زبان به شمار می‌رود که بعدها سرمشق نثرنویسی داستانی و فلسفی شده است. نکته‌ی قابل توجه در این آثار، زبان رمزی آثار مذکور و به طور کلی نگاه شیخ اشراق به رمز و به کارگیری آن در بیان دیدگاه‌های فلسفی و عرفانی و فرآیند دریافت معانی رمزی آثار مورد نظر است.

ابوالفتوح شهاب‌الدین یحیی بن حَبَش بن امیرک سهروردی، معروف به شیخ اشراق و شیخ مقتول فیلسوف و حکیم و عارف نام‌دار ایران در سال 549 هجری در سهرورد زنگان به دنیا آمد و در سال 587 به فرمان صلاح‌الدین ایوبی و به تحریک متعصبان جاهل در شهر حلب دمشق در سن 38 سالگی به قتل رسید<sup>1</sup>.

وی تحصیلات اولیه و فقه را نزد مجدالدین جیلی در مراغه و تحصیلات بالاتر شامل کلام و حکمت را نزد ظاهر الدین قاری به پایان رسانید (در این دوره با امام فخر رازی هم‌مکتب بود) سپس به سیر و سلوک پرداخت و به شهرهای مختلفی سفر کرد.

کامل‌ترین شرح حال و افکار وی را یکی از مریدانش به نام شهروزی به زبان عربی در کتاب نزهةالارواح آورده است.

سهروردی در اصفهان با حکمت و فلسفه‌ی مشائی مکتب ابن‌سینا بیشتر آشنا شد و بعد به قصد آشنایی با دیگر مکتب‌های فکری زمانه‌ی خود راهی منطقه‌ی آناتولی در ترکیه و سوریه‌ی امروزی شد و با فخرالدین ماردینی از حکیمان نامدار آن زمان مباحثاتی داشت. سهروردی در پایان کتاب المشارع و المطارحات خود شکوه می‌کند که به سی سالگی رسیده، ولی هنوز شخص آشنا و مؤمن به علوم شریفه را نیافته است. به هر حال در این سن به سوریه سفر می‌کند و فلاسفه‌ی خسروانی آن دیار را می‌بیند.

شیخ اشراق با سیر و مطالعه‌ای که در حکمت ایران باستان، دین زردستی و حکمت یونان باستان افلاطونی و نوافلاطونی داشته، با احیای فلسفه‌ی نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی، حکمة‌الاشراق را ابداع کرد که جان تازه‌ای به تفکر فلسفی بخشید و زمینه‌ی نظری استواری برای سلوک معنوی اهل تصوف به وجود آورد.

او در زمانه‌ای دست به چنین کار بزرگی زد که تعصب و تنگ‌نظری موج می‌زد و هر اندیشه‌ی تازه‌ای در معرض اتهام کفر و الحاد قرار می‌گرفت.

---

1. در ترجمه‌ی مقصودعلی تبریزی، سال شهادت سهروردی 586 ذکر شده است، اما در متن عربی 586 و 588 آمده است. در منابع بعدی بیشتر حدّ وسط دو تاریخ مذکور آمده است و سال 587 هجری قمری به عنوان سال شهادت شیخ اشراق نقل شده است. برای آگاهی بیشتر می‌توانید به جلد سوم مجموعه‌ی مصنفات شیخ اشراق تصحیح و مقدمه‌ی کربن و سید حسین نصر، مراجعه کنید. (سهروردی، 1380، ج:3، 19)

حکمت اشراقی او بر دو پایه‌ی ذوق (دل) و استدلال (عقل) استوار است و فهم آن آشنایی با حکمت و فلسفه‌ی مشائی و نیز سیر و سلوک عرفانی را می‌طلبد. این حکمت درصدد احیای فلسفه و حکمت خسروانی و فهلوی ایران باستان و حکمت یونان در عرفان و حکمت اسلامی بود.

پایان غم‌انگیز زندگانی کوتاه این حکیم عارف کم‌نظیر که در زمان خود منادی وحدت میان ادیان و مذاهب بود، مانند حلاج و عین‌القضات همدانی است.

سهروردی در پایان سفرهایش به حلب رسید، ملک ظاهر، حاکم شهر که پسر صلاح‌الدین ایوبی بود مجذوب او شد. علمای حلب که با محبوبیت سهروردی موقعیت خود را در خطر می‌دیدند، با او مناظره کردند و مغلوبش شدند. علما بر تکفیر و قتل او فتوا دادند؛ ولی ملک ظاهر نپذیرفت. پس به پدرش صلاح‌الدین نوشتند که اگر این مرد بماند دین و دنیا را بر شما می‌شوراند و فاسد می‌گرداند. صلاح‌الدین به پسر خود نامه نوشت که او را بکشد. او قبول نکرد. ولی پس از این که از طرف پدر تهدید به از دست دادن حکومت حلب شد! ناچار دستور در بند کردن شیخ را داد و سهروردی به زندان افتاد.

درباره‌ی نحوه‌ی قتل او چندین روایت نقل شده است، یکی این که او را خفه کردند. دیگر این که آب و غذا به او ندادند. اما روایت دیگر این است که خودش از خوردن و نوشیدن دست شست تا زودتر به دیدار معبود شتابد<sup>1</sup> و این چنین نام سومین شهید راه عرفان و حقیقت برای همیشه جاودان ماند.

شیخ اشراق در طول عمر کوتاهش آثار فراوانی به فارسی و عربی برجای گذاشت که به پنجاه اثر می‌رسید که مهم‌ترینشان همان حکمة‌الاشراق است. در میان آثارش تعدادی داستان‌ها و حکایت‌های تمثیلی و رمزی و عرفانی به چشم می‌خورد که هم از نظر سبک نگارش و هم از نظر زبان رمزی و استفاده از نمادهای عرفانی برای تفهیم مایه‌های اصلی حکمت اشراق بی‌نظیرند.

از دیگر آثار او عبارتند از:

المشراح و المطارحات، طوارق الانوار، النغمات السماویه، لوامع الانوار، پرتونامه، هیاکل النور، الواح عمادی، بستان القلوب، یزدان شناخت و شرح الاشارات.

---

1. رجوع کنید به (سهروردی، 1377: 94) و (تبریزی، 1373: 37)

اشعاری هم به عربی و فارسی دارد که دو نمونه‌ی زیر از این دسته‌اند.

هان تا سر رشته‌ی خرد گم نکنی      خود را ز برای نیک و بد گم نکنی

رهرو تویی و راه تویی منزل تو      هشدار که راه خود به خود گم نکنی

سودای میان تهی ز سر بیرون کن      از ناز بکاه و بر نیاز افزون کن

استاد تو عشق است چو آن جا برسی      او خود به زبان گوید چون کن

سهروردی حکمۀ‌الاشراق خود را احیای رمزگشایی حکمت باستانی می‌شمارد و معتقد است که شیوه‌ی افلاطون و حکمای پیشتر چون هرمس و انبازقلس، فیثاغورث و دیگران رمزگویی بوده است

«و البته سخنان پیشینیان همه به رمز بیان می‌شده است و بنابراین هر آن چه دیگران بر آن رد نوشته‌اند و بتاخته‌اند اگر چه متوجه جهت و روی آشکار سخنان آنان می‌تواند باشد (با ظاهر کلمات آنان سازگار است) لکن متوجه خواست و مقصود کلمات آنان نمی‌باشد (ایرادات آنان ناموجه است). زیرا رموز را نتوان رد کرد و رد بر آن از خرد بیرون است که نخست فهم باید و سپس ایراد.» (سهروردی، 1377: 19)

وی اختلاف روش حکما را تنها در الفاظ و عبارات می‌داند:

«و اختلاف در بین حکمای پیشین و پسین تنها در الفاظ و عبارات می‌باشد و از جهت اختلاف در عادات و روش آنها است که بعضی تصریح کنند و روشن گویند و بعضی تعریض کنند و به رمز گویند.» (اسدیپور، 1381:

(9)